

ترجمه‌های انگلیسی واژگان نمادین سوره نور



دکتر عباس اشرفی^۱

الهام سید النگی^۲

چکیده

هر چند نیاز به ترجمه‌های مناسب و بی نقص از قرآن ضروری است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به معجزه بودن این کتاب آسمانی، ترجمه دقیق آن غیر ممکن باشد. مطالعه تطبیقی و نقد دقیق ترجمه‌های صورت پذیرفته از قرآن، نقش مهمی در آسیب شناسی و اصلاح اشکالات ساختاری ترجمه‌ها دارد. در این مقاله به بررسی ترجمه‌های انگلیسی پیکتال، شاکر، صفارزاده، یوسف علی و آربری از واژگان کلیدی سوره نور پرداخته شده و آسیب‌های ترجمه‌ای موجود در آن‌ها استخراج شده است.

واژگان کلیدی: ترجمه‌های انگلیسی، مطالعه تطبیقی و نقد، الله، سوره، محصنات، فضل، افک، صفات

۱- دکترای علوم قرآن و حدیث و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی الکترونیکی: dr_a_ashrafi@yahoo.com

۲- کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

نشانی الکترونیکی: alangi@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۲

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۴



۱- پیش درآمد

ترجمه قرآن در طول تاریخ اسلام، موافقان و مخالفان بی شماری را با ادله‌های گوناگون در پی داشت. اما آنچه که بدیهی است، بدون شک، قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان است که پروردگار جهانیان برای هدایت متقیان نازل فرموده است (بقره، ۲). بنابراین، تمامی انسان‌های جویای کمال نیاز به مطالعه و درک عمیق آن دارند. از آن جایی که خداوند انسان‌ها را در زبان‌ها و رنگ‌های مختلف آفریده است (روم، ۲۲)، هر یک از آن‌ها نیز که به زبانی غیر از زبان عربی سخن می‌گویند، برای درک مفاهیم والای قرآن، به ترجمه دقیق آیات الهی نیازمند می‌باشند. اما معجزه بودن قرآن و وجود صنایع بدیع و بلاغت در آن موجب شده است که ترجمه دقیق آن دشوار و بعضاً غیر ممکن به نظر برسد، اما تا حد امکان می‌توان ترجمه‌ای گویا ارائه نمود که به خواننده در درک صحیح این آیات کمک کند. اگر چه از اولین ترجمه قرآن تا کنون، ترجمه‌های مختلفی با بینش‌ها، گرایش‌ها و اهداف گوناگون ارائه شده است، اما علت و انگیزه این ترجمه‌ها و عدم مطالعه دقیق فرهنگ و تاریخ اسلام (که موجب توجه به شأن نزول و درک معنای خاص لغات و مفهوم مورد نظر آن در آیات می‌شود) و سایر چالش‌ها موجب شده است که تاکنون ترجمه‌ای دقیق و گویا از آیات قرآن کریم ارائه نشود و برای رسیدن به این هدف بزرگ همچنان باید تحقیق و مطالعات بیشتری انجام شود.

اما با توجه به ترجمه‌های انجام شده در گذشته، مترجمانی را که به ترجمه قرآن پرداخته‌اند می‌توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد، دسته اول مترجمانی هستند که به عمد از ترجمه غلط قرآن برای نیل به مقاصد شوم خود استفاده کرده و سعی نمودند مفاهیم والای آن را به معانی تحریف شده کتب تورات و انجیل نزدیک کنند. در مورد این دست از مترجمان که در تاریخ ترجمه قرآن چهره‌هایی بسیار شناخته شده می‌باشند، مانند رابرت کتن و الکساندر راس که ترجمه آن‌ها با هدف اسلام‌ستیزی و به سرمایه‌گذاری مسیحیت صورت گرفته است، بسیار سخن گفته شده و اصولاً اهداف مغرضانه ایشان چنان مشهود است که هر خواننده آگاهی به عدم دقت مترجمان و عمدی بودن شیوه ناقص ترجمه آن‌ها پی خواهد برد. در اینجا به نقد و بررسی این گونه ترجمه‌ها پرداخته نشده است، زیرا این دست از ترجمه‌ها فاقد علل و انگیزه‌های علمی می‌باشند و نقد آن‌ها نیز ارزش چندانی ندارد. لذا، در این تحقیق، تلاش شده مترجمانی انتخاب شوند که ترجمه آن‌ها جزو ترجمه‌های علمی محسوب شده و انگیزه آن‌ها از ترجمه قرآن تنها کمک به انتقال مفاهیم والای آن



در کشورهای غیر عرب زبان و فرهنگ‌های غیر اسلامی باشد. علاوه بر موارد فوق، متفاوت بودن زبان مادری مترجمان با یکدیگر نیز بر نحوه ترجمه آن‌ها تاثیر گذار بوده به طوری که تفاوت فرهنگی هر یک از آن‌ها در تفاوت ترجمه‌های ارائه شده کاملاً مشهود است. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش بوده ایم که ترجمه‌های انگلیسی سوره نور تا چه اندازه درانتقال معنای واژگان کلیدی موفق بوده اند؟

۲- معادل‌های واژگانی

اساس و پایه‌های بنای هر ترجمه‌ای تعادل است؛ زیرا هیچ ترجمه‌ای شکل و رنگ زبان مقصد را نمی‌گیرد مگر با رعایت اصل تعادل و هیچ ترجمه‌ای قادر به رساندن محتوا و پیام متن مبدأ نیست مگر با برقراری تعادل ترجمه‌ای. برای اینکه همه عناصر زبانی از جمله معنا و پیام، بلاغت کلام، عناصر سبکی و فرهنگی و کاربردی یا منظور شناختی (Pragmatical Elements) عناصر ادبی و هنری، عناصر نحوی و صرفی و امثال آن‌ها به درستی و به طور معقول و علمی به زبان مقصد منتقل گردد چاره‌ای جز این نیست که در آن عناصر بنا به ضرورت و اقتضا تغییراتی پدید آید تا خوانندگان متن مقصد به سهولت به پیام و منظور متن مبدأ دست یابند. (لطفی پورساعدی، ۱۳۵/۲ - ۷۹)

در هر کار خاص ترجمه، مشکلاتی ویژه دریافتن معادل‌های واژگانی وجود دارد. با این حال در هر ترجمه‌ای ممکن است دربرخی مسائل مشکلات خاصی به وجود بیاید. هر مترجمی با مشکل پیدا کردن معادل‌های مناسب برای کلمات اصلی متن مبدأ روبرو است. مشکل دیگر، از بین رفتن برخی اجزای معنایی و به وجود آمدن برخی دیگر است، یعنی مشکل حفظ توازن بین اجزایی که پنهان و ضمنی می‌مانند و آن‌هایی که آشکار می‌شوند. مسائلی از این قبیل در این قسمت بررسی می‌شود.

۲-۱- کلمات اصلی (Key words)

تقریباً هرمتنی که بخواهیم ترجمه کنیم تعدادی کلمه اصلی دارد. کلمات اصلی، کلماتی هستند که بارها در متن به کار می‌روند و درانتقال مضمون یا موضوع مورد بحث نقش تعیین کننده دارند. مترجم باید کلمات اصلی را تشخیص بدهد و در هر بار کاربرد کلمه اصلی تا حد امکان از یک جزء واژگانی در زبان مقصد استفاده کند. کلمات اصلی بیشتر از هر کلمه دیگری در متن تکرار می‌شوند و مفهومی بنیادی یا اصلی را در متن نشان

می‌دهند. این کلمات اغلب به مضمون مربوط می‌شود. مترجم باید در هنگام مطالعه متن مبدأ کلمات اصلی را یادداشت کند و بیش از آنکه عملاً روند تهیه پیش نویس را آغاز کند به پیدا کردن معادل‌های واژگانی مناسب توجه مخصوص داشته باشد. (لارسون، ۱۹۷۵)

۲-۲- کلمات نمادین (Symbolic words)

در بسیاری از متن‌ها، تعدادی کلمه اصلی وجود دارد که ارزش نمادین پیدا می‌کند. این کلمات حالتی پیدا می‌کنند که علاوه بر معنای اصلی خودشان، معنایی مجازی یا استعاری نیز منتقل می‌کنند. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، ممکن است لازم باشد این کلمات را در ترجمه تعدیل کنیم. (همان)

۲-۳- اجزای معنای ضمنی و آشکار (Implicit and explicit components of meaning)

اجزای واژگانی زبانی مبدأ به ندرت با اجزای واژگانی زبان مقصد به طور دقیق مطابقت دارند. به نظر می‌رسد بیشتر ناهماهنگی وجود دارد تا هماهنگی. پس، اصلاً چطور ترجمه امکان پذیر است؟ پاسخ در این حقیقت است که کلمه ترجمه نمی‌شود، بلکه معنای کلی ترکیب کلمات ترجمه می‌شود.

در بررسی بندها و جمله‌ها، مسئله اطلاعات ضمنی و آشکار بارها در مرکز توجه قرار می‌گیرد. ولی پیش از آنکه تاکید بر اجزای واژگانی را به پایان برسانیم، بیان این مطلب نیز اهمیت دارد که در روند ترجمه، برخی اجزای معنایی که در متن مبدأ آشکار نیستند در ترجمه آشکار می‌شوند. دلیل این اتفاق فقط ماهیت زبان‌ها است. مقوله‌هایی که در گروه‌های معنایی گوناگون گنجانده می‌شوند با هم تفاوت دارند. تعدادی از آن‌ها در یک زبان اجباری هستند و تعدادی دیگر که با گروه قبلی متفاوتند در زبانی دیگر اجباری هستند. ممکن است لازم باشد مترجم برای یافتن جزء واژگانی معادل، برخی اجزای معنایی را که در متن مبدأ ضمنی هستند آشکار کند، همواره مقداری از معنا از بین می‌رود و مقداری به آن اضافه می‌شود؛ بین هیچ دو نظام هماهنگی کامل وجود ندارد.

با وجود این مترجمی که می‌خواهد همان اطلاعاتی را که در متن مبدأ یافته منتقل کند، با آگاهی دائمی از تفاوت‌های بین زبان‌ها، از راه بررسی دقیق معنای متن مبدأ، هم معنای ارجاعی و هم معنای موقعیتی و اینکه فقط صورت‌های طبیعی و واضح را در ترجمه به زبان مقصد انتخاب کند، به هدفش نزدیک می‌شود. (همان)

۳- معادل‌های واژگانی سوره نور

در این قسمت از مقاله به عنوان نمونه به مطالعه شیوه معادل‌یابی برخی از واژگان منتخب در سوره نور می‌پردازیم. روش آسیب‌شناسی معادل‌های به کار رفته به این صورت است که ابتدا ریشه لغوی واژگان مورد نظر و معادل‌های به کار رفته را استخراج کرده، سپس به بررسی دقت و عدم دقت معادل‌یابی واژه فوق می‌پردازیم.

از آنجا که بار معنایی برخی از واژگان متفاوت است. لذا، ترجمه آن‌ها نیز با دشواری‌هایی به همراه است. در این جا به بررسی معادل‌های ترجمه‌ای برخی از این واژگان مانند واژه کانونی «الله» در آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، واژه «سوره» در آیه ۱، واژه «محصنات» در آیه ۴، واژه «فضل» در آیه ۱۰، واژه «افک» در آیه ۱۱ و واژه «صفات» در آیه ۴۱ سوره نور با توجه به ترجمه‌های پیکتال، شاکر، صفارزاده، یوسف علی و آربری می‌پردازیم:

۳-۱- الله

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ترجمه پیکتال:

«(In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful)»

ترجمه شاکر:

«(In the Name of Allah, the Beneficent, the Merciful)»

ترجمه صفارزاده:

«(In the Name of Allah, The Merciful Beneficent)»

ترجمه یوسف علی:

«(In the Name of Allah, Most Gracious, Most Merciful)»

ترجمه آربری:

«(In the Name of God, the Merciful, the Compassionate)»

واژه «الله» به عنوان مرکزی‌ترین و مهم‌ترین مفهوم در جهان بینی قرآنی است. این واژه باید همچون یک کلمه کانونی در نظر گرفته شود که در پیرامون خود عده‌ای از کلمات کلیدی را فراهم آورده است. حقیقت آن است که کلمه «الله» عالی‌ترین کلمه کانونی در



واژگان قرآن است که براساس قلمرو آن فرمانروایی دارد و این چیزی جز سیمای معنی شناختی حقیقی نیست که معمولاً با گفتن اینکه جهان و قرآن اصولاً خدا مرکزی است همان را در نظر داریم. (ایزوتسو، ۳۱)

همان گونه که مشاهده می‌شود، پیکتال، شاکر، صفارزاده و یوسف علی در ترجمه این واژه از روش «وام گیری» استفاده کرده‌اند و تنها آربری از روش لغوی استفاده کرده است. کلمه «الله» علم و اسم خاص خداوند است، خدای تعالی به تمامی اسماء حسنا و همه افعالی که از این اسماء انتزاع و گرفته شده، توصیف می‌شود، مثلاً می‌گوییم «الله» رحمان است، رحیم است، ولی بالعکس آن را نمی‌گوییم؛ یعنی هرگز گفته نمی‌شود که رحمان این صفت را دارد که الله است و نیز می‌گوییم: «رَحِمَ اللهُ و عَلَّمَ اللهُ و رَزَقَ اللهُ» (خدا رحم کرد و خدا دانست و خدا روزی داد)، ولی هرگز نمی‌گوییم: اللهُ الرَّحْمَنُ (رحمان الله شد). خلاصه، اسم جلاله نه صفت هیچ یک از اسماء حسنا و خدای تعالی می‌گیرد و نه از آن چیزی به عنوان صفت برای آن اسماء گرفته می‌شود. از آنجا که وجود خدای سبحان که «الله» تمامی موجودات است، خودش خلق را به سوی صفاتش هدایت می‌کند و می‌فهماند که به چه اوصاف کمالی متصف است، لذا، می‌توان گفت که کلمه «الله» به طور التزام دلالت بر همه صفات کمالی او دارد و صحیح است بگوییم لفظ جلاله «الله» اسم است برای ذات واجب الوجودی که دارنده تمامی صفات کمال است و گرنه اگر از این تحلیل بگذریم، خود کلمه «الله» غیر از آنکه نام خدای تعالی است، بر هیچ چیز دیگری دلالت ندارد و غیر از عنایتی که در ماده (ال ه) است، هیچ عنایت دیگری در آن به کار نرفته است. (طباطبائی، ۳۰/۱)

قدیمی ترین یادداشت‌ها در مورد واژه آسمانی «god» مربوط به قرن ششم می‌باشد. واژه انگلیسی آن به تنهایی از واژه اصیل آلمانی «gudan» گرفته شده است. بیشتر زبان شناسان معتقدند که این واژه نیز از واژه اصیل هندو اروپایی «ghu-tó-m» ساخته شده است و ریشه آن برگرفته از «ghau (ə)» به معنای «فراخواندن» یا «احضار کردن» می‌باشد. واژه «god» واژه‌ای خنثی است که به تمامی جنسیت‌ها نسبت داده می‌شود. اما هنگام پیوستن مردم به دین مسیحیت این واژه به صورت مذکر درآمد (میلز، ۲) شکل حروف بزرگ واژه «God» اولین بار در ترجمه گوتیک «wulfila» از عهد جدید برای ترجمه واژه یونانی «Theos» استفاده شده است. در زبان انگلیسی شکل حروف بزرگ واژه «God» برای تمایز میان «God» در یکتاپرستی و «gods» در چند خدایی به کار رفت. به رغم تفاوت مهم مذاهب مسیحیت، اسلام، هندویسم و بوداییسم و...، واژه «God» به عنوان معادل انگلیسی تمامی آن‌ها به کار



می‌رود (آرمسترانگ، ۱۱). با بررسی ریشه‌ای واژگان «الله» و «God» که هر دو اسامی خاص خداوند هستند و سایر صفات ذات باری تعالی در زبان عربی و انگلیسی که با این واژه به کار می‌روند، در می‌یابیم که «الله» در گذشته قبل از اسلام نیز نام خاص خداوند بوده و پس از اسلام این واژه اسم علم و خاص برای خداوند است و با هیچ ضمیر دیگری جمع بسته نمی‌شود و صورت‌های گوناگونی نیز ندارد. اما واژه «God» که شکل قراردادی و مشخصی از «gods» است، نماینده نوع خاصی از مکتب است. یعنی برای تفکیک «God» در یکتاپرستی و «gods» در چند خدایی از شکل حروف بزرگ آن استفاده شد. بنابراین، واژه «God» که چندین قرن پس از ظهور حضرت مسیح، به شکل امروزین آن درآمد، نمی‌تواند معادل دقیقی برای واژه «الله» در اسلام باشد. در نتیجه، به نظر می‌رسد مطابق ترجمه پیکتال، شاکر، صفارزاده و یوسف علی، وام‌گیری از واژه «الله» در زبان عربی روش صحیح‌تری در ترجمه آن است و روش لغوی که در ترجمه آربری به کار رفته است روش صحیحی در ترجمه اسم خاص «الله» به نظر نمی‌رسد.

۳-۲- سوره

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

[این] سوره‌ای است که آن را نازل و آن را فرض گردانیدیم و در آن آیاتی روشن فرو فرستادیم، باشد که شما پندپذیرید. (فولادوند)

ترجمه پیکتال:

(Here is) a surah which We have revealed and enjoined, and where in We have revealed plain tokens, that haply ye may take heed.

ترجمه شاکر:

(This is) a chapter which We have revealed and made obligatory and in which We have revealed clear communications that you may be mindful.

ترجمه صفارزاده:

This Surah which we sent down is Incumbent on the believers, in it there are Explicit Words of Decrees, so That you people may be reminded.

ترجمه یوسف علی:

A Surah which we have sent down and which we have ordained. In it have we sent down Clear Signs, in order that ye may receive admonition.

ترجمه آربری:

A Sura (chapter) that we sent down and appointed; and we have sent down in it signs, clear signs that haply you will remember.

«سوره» بدون همزه در لغت به سه معنی است: شرف، منزلت و پایگاهی بلند و رفیع. همچنین در زبان عربی باره و دیوار شهرها را سورالمدینه می نامند. زیرا دیوار شهرها از خود شهر بلندتر بوده است. در بنا و ساختمان سوره را به سور جمع بسته اند. ولی سوره قرآنی هیچ گاه این چنین جمع بسته نمی شود. طبری می گوید اگر هم چنین جمعی بستید و منظور همه قرآن باشد در قیاس خطایی نشده است ولی آن را ترک کرده اند و چنین جمعی از این کلمه نیامده است. (بروکلمن، ۱/۱۳۸: جفری، ذیل کلمه سوره: دایرة المعارف اسلام، مقاله سوره) برخی از لغت شناسان این واژه را «سوره» خوانده اند که در لغت به معنای نیم خورده و پس مانده و زیادی چیزی آمده است.

معنای «سوره» قرآنی با معنی آن در لغت مرتبط است. زیرا «سوره» قرآن چون سخن خداوند است دارای شرف و منزلت و پایگاهی بلند و رفیع می باشد و یا اینکه قرائت هر سوره موجب بلندی مرتبه و برتری منزلت قاری آن می شود و یا از این نظر که چون دژ بلند بالا و غیر قابل نفوذ و رسوخی است و همچون باروی شهر که بر شهر و هرچه در آن است احاطه دارد، سوره نیز گرداگرد آیات را فرا گرفته و آن ها را به هم پیوسته و در برابر هر باطلی حصن حصین و جاودانه ای برپا ساخته است.

اما درباره ریشه لغت باید دانست که علمای اسلامی آن را عربی اصیل دانسته اند و ابن السبکی و ابن درید و ابن حجر و سیوطی هیچ یک آن را جزء لغات بیگانه عربی نیاورده اند و مستشرقانی چون آرتور جفری، لاگارد، نولدکه، شوالی، بوهل و بل در این باره سخن گفته و پاره ای آن را از کلمه عبری تازه شوری به معنی ترتیب، صف و مشق دانسته اند و دسته ای دیگر از کلمه سریانی صورتا به معنی نص گرفته اند. (بروکلمن، ۱/۱۳۸، جفری، ذیل کلمه سوره: دایره المعارف اسلام، مقاله سوره) از قراء نامی عاصم این کلمه را به گونه



زوره خوانده است و سوره اگر به فتح سین خوانده شود به معنی حدت خواهد بود و اگر با سین مضموم تلفظ کنند به معنی دیوار و احاطه و امثال آن می‌باشد. این کلمه در قرآن مجید به گونه‌های مختلف به کار رفته است. به شکل سوره نه بار آمده (بقره، ۲۳، توبه، ۶۴، ۸۶، ۱۲۴، ۱۲۷؛ یونس، ۳۸، نور، ۱، محمد ۲۰) و جمع آن سور یک بار (هود، ۱۳) ذکر شده است.

یک مرتبه هم تسورا (۲۱) به معنای فرو جستند و یا از دیوار بالا رفتند (زرکشی، ۲۶۴/۱: میبیدی، ۳۳۶/۸) به کار رفته است. سور را به معنی بارو (حدید، ۱۳) از ابن عباس نقل کرده‌اند که در زبان جرهم به معنای دیوار است. (رامیار، ۵۷۷)

باتوجه به مطالب ذکر شده، مشاهده می‌شود که واژه «sura» به صورت وام‌گیری در ترجمه پیکتال، صفارزاده، یوسف علی و آبریری استفاده شده است. اما شاکر از واژه «chapter» که به معنای تقسیمات اصلی یک کتاب است که عموماً با استفاده از اعداد یا عنوان مشخص می‌شوند، استفاده کرده است. (فرهنگ آکسفورد ذیل واژه) همانگونه که مشاهده می‌شود واژه «chapter» دربر دارنده معنای همه جانبه کلمه سوره نمی‌باشد. در ترجمه آبریری نیز هم از کلمه «sura» و هم از کلمه «chapter» در پراکنش استفاده کرده است. این روش ترجمه‌ای صحیح نیست در صورتی که مترجم مایل باشد توضیحی راجع به واژه و یا آیه ارائه کند باید شرح آن را در پاورقی یا پراکنش بیان کند. بنابراین، با توجه به معنای وسیعی که واژه سوره دربر دارد به نظر می‌رسد استفاده از خود این واژه، در ترجمه به صورت وام‌گیری صحیح‌تر است. البته برای خواننده ناآشنا باید توضیحات کامل معنایی در پاورقی ذکر شود. کوتاه سخن اینکه در صورتی که واژه‌های کلیدی نظیر سوره در زبان مقصد فاقد معادل دقیق معنایی باشند، بهترین روش بنابر نظر نظریه پردازان ترجمه (نیومارک، وینی و داربلنه) وام‌گیری به همراه توضیح کافی و جامع درباره واژه در پانویس بهترین معادل محسوب می‌شود.

۳-۳- المحصنات

«وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَادَةٍ فَاجْلِدُوهُنَّ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُنَّ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۴)

و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچ گاه شهادتی از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسقند.»

ترجمه پیکتال:

And those who accuse honorable women but bring not four witnesses, scourge them (with) eighty stripes and never (afterward) accept their testimony – – They indeed are evil-doers.

ترجمه شاکر:

And those who accuse free women then do not bring four witnesses, flog them,) giving)eighty stripes, and do not admit any evidence from them ever And these it is that are the transgressors.

ترجمه صفارزاده:

And those who accuse the married ladies Of adultery without bringing four Witnesses against them, such persons Should be flogged with eighty stripes And after that they should not be invited For witnessing (since their word is not Valid) and indeed such people are The corrupt.

ترجمه یوسف علی:

And those who launch a charge against chaste women, and produce not four witnesses (to support their allegations) , flog them with eighty stripes; and reject their evidence ever after: for such men are wicked transgressors.

ترجمه آربری:

And those who cast it up on) accuse) women in wedlock, and then bring not four witnesses, scourge them with eighty stripes, and do not accept any testimony of theirs ever those they are the ungodly.

المحصنات: این واژه در مفردات به این صورت تعریف شده است: «المُحْصَنَاتُ: امرأةٌ مُحْصَنٌ و مُحْصِنٌ، فالمُحْصِنُ يقال: إذا تصوّر حصنها من نفسها و المُحْصَنُ يقال إذا تصوّر حصنها من غيرها المحصنات: المزوجات». (راغب اصفهانی، ۱/۲۳۹) با توجه به این تعریف که به نظر می‌رسد محصنه به زن متاهل و پاکدامن اطلاق شود، هیچ یک از معادل‌های ارائه شده به طور کامل در بردارنده معنای جامع این واژه نمی‌باشند. بهتر بود با توجه به معنای لغوی آن به صورت «chaste married women» یا «virtuous» ترجمه می‌شد که معادل دقیق تری به نظر می‌رسد.

۴-۳- فضل

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (نور، ۱۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا توبه‌پذیر سنجیده‌کار است [رسوا می‌شدید].

ترجمه پیکتال:

And had it not been for the grace of Allah and His mercy unto you, and that Allah is Clement, Wise, (ye had been undone).

ترجمه شاکر:

And were it not for Allah's Grace upon you and His mercy and that Allah is of returning (to mercy) , Wise!

ترجمه صفارزاده:

And if it were not for the Favor and Mercy of Allah, the Repentance-Acceptor decreer, many of you would have Received a severe punishment) due to That accusation).

ترجمه یوسف علی:

If it were not for Allah's grace and mercy on you, and that Allah is Oft- Returning, full of Wisdom, (ye would be ruined indeed).

ترجمه آربری:

But for God's Bounty to you and His mercy and that God turns, and is all wise.

فضل: «فَضْلٌ» در قرآن به دو معنی به کار رفته است: ۱- برتری ۲- عطیه و احسان و رحمت. (قرشی، ۱۸۲ / ۵). همچنین راغب می‌گوید: هر عطیه‌ای که بر معطی لازم نیست فضل گویند، لذا، آن فضل زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند. (ابن منظور، ۱۱ / ۵۲۴) با توجه به ترجمه‌های ارائه شده از واژه فضل، می‌بینیم که پیکتال، شاکر و یوسف علی آن را «grace» و صفارزاده، «favor» و آربری «bounty» ترجمه کرده‌اند که با توجه به معنای لغوی آن، «bounty» به معنای سخاوت و گشاده دستی، عطیه و بخشندگی

(reward, generosity) معنای نزدیک تری با «فضل» دارد، نسبت به «grace» و «favor» که عمدتاً به معنای «لطف حق و محبت او» هستند.

۳-۵- افک

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكَ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا
 أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نور، ۱۱)

در حقیقت، کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند، دسته‌ای از شما بودند. آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است. برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت.

ترجمه پیکتال:

Lo! They who spread the slander are a gang among you. Deem it not a bad thing for you; nay, it is good for you. Unto every man of them (will be paid) that which he hath earned of the sin; and as for him among them who had the greater share therein, his will be an awful doom.

ترجمه شاکر:

Surely they who concocted the lie are a party from among you. Do not regard it an evil to you; nay, it is good for you. Every man of them shall have what he has earned of sin; and [as for] him who took upon himself the main part thereof, he shall have a grievous chastisement.

ترجمه صفارزاده:

Surely those who charged the chaste Woman of wrong, were a group of you People; but the believers of you should Not feel distressed about the false Scandal they roused, because it turned Out to be good for you: (Since people Got to know the hypocrites better) and each one will receive his punishment According to his degree of sin and the one who was the main cause of the accusation, he shall receive the utmost portion of the punishment.



ترجمه یوسف علی:

Those who brought forward the lie are a body among yourselves: think it not to be an evil to you; on the contrary it is good for you: to every man among them (will come the punishment) of the sin that he earned, and to him who took on himself the lead among them, will be a chastisement grievous.

ترجمه آربری:

Those who came with the slander are a band of you do not reckon it evil for you rather it is good for you every man of them shall have the sin that he has earned charged to him and whosoever of them took upon himself the greater part of it, him there awaits a mighty chastisement.

الافک - به طوری که راغب گفته- به معنای مطلق، دروغ است و معنایش در اصل، هر چیزی است که از وجهه اصلی‌اش منحرف شود، وجهه‌ای که باید دارای آن باشد، مانند: اعتقاد، منحرف از حق به سوی باطل و عمل منحرف از صحت و پسندیدگی به سوی قباحت و زشتی و کلام برگشته از صدق به سوی کذب و در کلام خدای تعالی در همه این معانی و موارد استعمال شده. (طباطبائی، ۱۵ / ۱۲۹: راغب اصفهانی، ماده [افک]) بنابراین، همان گونه که در ترجمه‌ها دیده می‌شود صفارزاده به صورت عبارت «charged the chaste Woman of wrong»، مقصود خداوند را از واژه افک به طور خاص در این داستان بیان کرده است و چون واژه «افک» با «ال» عهد آمده و مشخص است که درباره یک واقعه و دروغ خاص صحبت می‌کند، ترجمه خانم صفارزاده مناسب تر به نظر می‌رسد.

۳-۶- صفات

«الْمَ تَرَأَنَّ اللَّهَ يَسْبِيحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ صَفَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور، ۴۱)

«آیا ندانسته‌ای که هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند و خدا به آنچه می‌کنند داناست.»

ترجمه پیکتال:

Hast thou not seen that Allah, He it is whom all who are in the heavens and the earth praise,

and the birds in their flight? Of each He knows verily the worship and the praise; and Allah is Aware of what they do.

ترجمه شاکر:

Do you not see that Allah is He whom do glorify all those who are in the heavens and the earth, and the (very) birds with expanded wings? He knows the prayer of each one and its glorification And Allah is Cognizant of what they do.

ترجمه صفارزاده:

(O, Messenger!) Have you not observed That all creatures of the heavens and The earth Celebrate Allah's Absolute Purity; and the birds while flying in The sky are busy each with their own Prayers and proclamation of Allah's Absolute Purity which they have learned By inspiration; and Allah is Aware of All they do.

ترجمه یوسف علی:

Seest thou not that it is Allah whose praises all beings in the heavens and on earth do celebrate, and the birds (of the air)with wings outspread? Each one knows its own) mode of (prayer and praise. And Allah knows well all that they do.

ترجمه آربری:

Hast thou not seen how that whatsoever is in the heavens and in the earth extols God, and the birds spreading their wings? Each He knows its prayer and its extolling and God knows the things they do.

صف به معنی باز کردن بال پرنده‌هاست به طوری که حرکت نکنند. در اقرب آمده «صف الطائر جناحیه فی السماء: بسطها و لم یحرکها» (قرشی، ۱۳۵/۴) در این آیه نقش واژه «صَفَاتٍ» حال منصوب از الطیر است که علامت نصب آن کسره می‌باشد. بنابراین، باید به صورت حال ترجمه شود. کلماتی که دارای نقش حال هستند در زبان مقصد به صورت قیدی قابل ترجمه‌اند. (قلی زاده، ۷۳)

بنابراین، معادل «in their flight» در ترجمه پیکتال و معادل «while flying in The sky» در ترجمه صفارزاده به طور دقیق معنای «صَفَاتٍ» را منعکس نمی‌کنند و عبارت «with



«expanded wings» در ترجمه شاکر و «with wings outspread» در ترجمه یوسف علی، منعکس کننده حالت قیدی نمی‌باشند. اما معادل «spreading their wings» در ترجمه آربری کاملاً معنای واژه «صَفَاتٍ» را به صورت قید حالت منعکس می‌کند، بنابراین، معادل مناسب تری است.

۴- نتیجه

همان گونه که مشاهده شد در معادل یابی دقیق واژگان، ابتدا بهتر است به ریشه یابی واژه مورد نظر و معادل پیشنهادی پرداخته شود و در صورت نزدیکی معنایی تاثیر معنای واژه مورد نظر و معادل پیشنهادی در فرهنگ زبان مبدأ و مقصد به عنوان ترجمه دقیق ارائه شود.

منابع

علاوه بر قرآن کریم (با ترجمه فولادوند)

- ۱- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، توس، ۱۳۷۲ش
 - ۲- ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۶۸ش
 - ۳- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، نشر دارالمجتبی، ۱۳۸۶ ش
 - ۴- بروکلن، کارل، تاریخ ادبیات عرب، مترجم پهلوان، چنگیز، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش
 - ۵- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
 - ۶- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵ ش
 - ۷- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشار اسلامی، ۱۳۶۳ش
 - ۸- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۱ش
 - ۹- قلی زاده، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی، ۱۳۸۰ ش
 - ۱۰- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش
 - ۱۱- میبیدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار وعده الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش
12. Armstrong, Karen, A History of God: The 4000-Year Quest of Judaism, Christianity And Islam (1994), Ballantine Books
 13. Larson, Mildred L. , (1984) Meaning-based Translation: A guide to cross - language Equivalence , University Press of America, U. S. A.
 14. Larson, Mildred, L. Meaning based translation; a guide to cross language equivalence, 1998, University Press of America, Inc.
 15. Miles, Jack, Knopf, God: A biography
 16. Oxford dictionary, Oxford University Press 1995, 2002
 17. Picktall. M., 1930, The Glorious Qran. Tehran: Salehi publications
 18. Shakir, M. H , 1999. The Glorious Quran. Qom: Ansaryan publication
 19. Webster's Revised Unabridged Dictionary (1913) , edited by Noah Porter



راهنمای درخواست اشتراک پژوهشنامه معارف قرآن کریم

پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم وابسته به دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم به نشر اندیشه‌های صاحب نظران و پژوهشگران در زمینه علوم قرآنی می‌پردازد.

❖ لطفاً جهت اشتراک وجه آن را به صورت منظم به حساب ۰۱۰۵۲۹۷۱۸۸۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه خیابان نوفل لوشاتو واریز نموده و اصل فیش را به همراه فرم اشتراک به نشانی مجله ارسال کنید.

❖ بهای هر شماره ۲۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

❖ اشتراک یک ساله ۸۰/۰۰۰ ریال

❖ اشتراک دو ساله ۱۶۰/۰۰۰ ریال

در این قسمت چیزی ننویسید

فرم درخواست اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ:

نشانی:

کد پستی:

صندوق پستی:

تلفن:

پست الکترونیکی:

امضاء: